تبیین مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور

دکتر نانسی ساکی
گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

چکیده

زمینه: محاسن اخلاقی نیکو و معایب اخلاقی ناپسند پیوسته مورد توجه اندیشمندان، عالمان علم اخلاق بوده و نقش و تاثیر آن‌ها در زندگی و شکل دادن به جوامع انسانی از مباحث علمی و فلسفی بسیار مهمی است که توجه دانشمندان امور تربیتی و فلاسفه را همواره به خود جلب می‌کرده است. خلق‌های نیکو و خوی‌های پسندیده زمینه رشد روحی و تعالی روحی و معنوی را برای انسان فراهم می‌آورد. تخلق به اخلاق نیکو و مکارم اخلاقی ریشه در نهاد و فطرت آدمی دارد، مسئله قابل توجه در آن است که برخی از فلاسفه در کتب تفسیری خود برداشت‌های مختلفی پیرامون تعالیم اخلاقی اسلام ارائه نموده‌اند. در این مقاله پژوهشگر بر ان است تا با روش تحلیل – توصیفی مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور در ۵ مورد تبعیت از هوای نفس ، احترام به والدین، خودکشی و قتل ، تعجیل در امور ، خشم را مورد تحلیل قرار دهد.

نتیجه گیری: اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، از جمله پیامبر عظیم شان اسلام، برای تبدّل اخلاق سیّئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند. با نگاهی به تعالیم اسلام نکات متعددی در تربیت اسلامی دیده می شود که بر اخلاق تاکید می شود . در اسلام و تعالیم اسلامی تربیت اخلاقی اهمیت فراوان دارد. در این مقاله ۵ تعلیم اخلاقی در اسلام مورد توجه قرار گرفت که مشخص می کرد تبعیت از هوای نفس ، عدم احترام به والدین، خودکشی و قتل ، تعجیل در امور و خشم گرفتن افعالی غیراخلاقی هستند و انسان برای دست یابی به رشد معنوی و رسیدن به کمال باید از این سیئات دوری کند.

کلیدواژگان: اسلام، اخلاق، اخلاق درست محور، مبانی تربیتی

سرآغاز

رهبران آسمانی[۱] و پیشوایان معصوم که خود از عالی ترین سجایای اخلاقی[۲] و برترین کریمه های انسانی برخوردار بوده اند و در حمایت و هدایت افراد جامعه و ارشاد گمشدگان راه فضیلت، مرتفع ترین قله های بی قراری و اهتمام را فتح نموده اند، با گوهرهای ناب همچون «**تَخَلَّقُوا بِأخلاقِ الله**» جامع ترین و زیباترین برنامه های انسان سازی را فرا راه مردم قرار داده اند، همواره و در همه حال آنان را به خلق های نیکو و صفات متعالی فرا خوانده اند(۱). فضایل اخلاقی از ارزش های فطری[۳]، همیشگی و ابدی است و به هیچ وجه نباید آن‌ها را در زمره امور قراردادی و اعتباری به حساب آورد. حیات انسانی و فضیلت‌های معنوی[۴]، لازم و ملزوم یکدیگرند. انسان منهای ارزش‌های اخلاقی[۵]، انسان نیست، و تلاش در زمینه دستیابی به دانش و تکنولوژی بدون فعالیت در جهت اعتلای معنوی، حرکت تکاملی و پیشرفت و ترقی محسوب نمی‌گردد (۱). علاوه بر این بخشی از تعالیم اسلام را مسائل اخلاقی تشکیل می‌دهد،چرا که در پرتو رعایت اصول اخلاقی انسان هم می‌تواند به تعالی معنوی[۶] دست یابد وهم موجبات تحکیم روابط اجتماعی و بهبود زندگی جمعی رافراهم سازد. خداوند متعال در قرآن پیامبر را که متخلق به اخلاق متعالی بوده، را ستوده ودر توصیفش به اخلاق بردبارانه ،دلسوزی وکرامتش فرموده: «**وَ إِنَّک لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ**؛ و راستی که تو را خویی والاست!» (قلم،۴)

تأکید قرآن و روایات معصومین (ع) به تعالیم اخلاقی بیانگر اهمیت آن‌هاست ودر تکمیل این اهمیت پیامبر (ص)نیز علت بعثت خویش را چنین بیان کرده: «**إنی بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکارِمَ الْأَخْلَاقِ**؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام.»(۲) بر این اساس تکامل اخلاقی در فردوجامعه مهم‌ترین هدفی است که اسلام برآن تکیه می‌کند. با توجه به اینکه مسائل اخلاقی در هر برهه‌ای از زمان از اهمیت ویژه برخودار است ولی در جهان معاصر این حقیقت انکار ناپذیر است که با گسترش صنایع بشری همچون ماهواره واینترنت وهزینه‌های سرسام‌آوری که برای گسترش مفاسد اخلاقی مصرف

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: N.Saki@scu.ac.ir

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۰۷، ۱۴۰۳

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

می‌شود، نوعی بی‌توجهی به سازندگی اخلاقی[۷] را در میان جوامع بشری پدید آورده که این عدم توجه به سازندگی اخلاقی منجر به بروز نابسامانی‌های روحی واخلاقی در انسان شده که نتیجه آن سقوط انسان از محدوده اخلاق می‌شود.

تفسیر اخلاق اسلامی که در بطن آیات قرآن آمده است از دیرباز چه به صورت جزئی و چه به صورت کلی مورد عنایت بسیاری از فلاسفه قرار گرفته است. صراحتی که در مفاهیم آیات اخلاقی وجود دارد باعث ایجاد انگیزه در تبیین و تفسیر این آیات گشته و بدین ترتیب به هدف تربیتی و هدایتی این آیات توجه لازم مبذول شده است. بررسی و تبیین مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور هدف این مقاله است . از این رو در این پژوهش و در راستای تحلیل این مساله پژوهشگر در پی پاسخ به این سوالات است که : هدف تربیتی از احیای فضیلت‌های اخلاقی و ارزش های متعالی در نهاد انسان‌ها چیست؟ اسلام چه اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی را بیان می‌دارند ؟

بحث

تربیت به چه معناست ؟

«ربأ، یربؤ» به معنای رشد کردن و برآمدن (۳) و «ربا یربو» به معنای رشد و فزونی است(۴) ، با توجه به اینکه هر دو مشتق این واژه در یک معنا آمده است، بعید نیست که هر دو ریشه به یک اصل معنایی بازگردد. (۴). با توجه به متعدی بودن این واژه در معنای زیاد کردن، رشد و نمو دادنو پرورش دادن نیز آمده است(۵). بنابراین تربیت[۸] عبارت است از: «فرایند زمینه سازی، معرفی، و به کارگیری راه کارهای بینشی، گرایشی و رفتاری و رفع موانع به منظور رشد و شکوفایی همه استعدادهایی که خداوند در سرشت انسان نهاده است(۶). برخی محققان علوم اسلامی در تعریف تربیت این‌گونه بیان می‌دارد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوّه در یک شیء موجود است به فعلیّت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم» (۷). با توجه به معنای تربیت پیرامون تربیت اسلامی می توان گفت:

– تربیت اسلامی یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری و عاطفی و جسمی و اجتماعی شخصیت اسلامی[۹] و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستورهای اسلامی برای تحقق هدف‌های اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی(۸).

–تربیت اسلامی یعنی شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر(۹). – تربیت اسلامی عبارت است از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی (۱۰).

سخن جامع در تعریف اصطلاحی تربیت در نزد اندیشمندان اسلامی، به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد.

اخلاق چیست؟

واژه اخلاق[۱۰] جمع خُلق و خُلُق است و در لغت به معنی « سرشت ،خوی وطبع است وبه معنای صورت درونی وباطنی و نا پیدای انسان است و در مقابل خَلق به صورت ظاهری انسان که با چشم قابل روئیت است اطلاق می شود.» (۱۱). این دو واژه از یک ریشه اند. با این تفاوت که خلق به حالات نفسانی و صفات درونی گفته می شود؛ اما خلق جنبه جسمی و بدنی انسان را می گویند. (۱۲). خلق هیئت راسخه در نفس است که مصدر افعال انسانی می شود(۱۳). در تعریف اخلاق باید گفت که این کلمه از ریشه «خُلق» به معنای بهره و نصیب مشخص می باشد، اگر چه برای دو لفظ «خُلق» و «خَلق» نیز معنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته است. در نتیجه شخصِ با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل و رذائل اخلاقی را داراست، زیرا فضائل یا رذائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه ای نفسانی را در انسان ایجاد می کنند(۱۴).

اخلاق عبارت است از ملکات راسخ نفسانی (۱۵) اخلاق اعم از ملکات و رذایل و فضایل اخلاقی، و شامل آداب و تمام افعال اختیاری انسان می شود که متصف به خوب و بد بوده است و بار ارزشی دارد(۱۶).

تربیت اخلاقی[۱۱] چگونه است؟

فضیلت و شرافت علم اخلاق و ارزش والا و شان رفیع آن بر صاحبان بینش های نکته سنج و مالکان افهام روشن پوشیده نیست آن ها می دانند که قوام دین به اخلاق است و نظام عقلانی عالم بر آن مبتنی است و طلبش بر همه واجب است و بدین وسیله است که پیروی از رسول اکرم (ص) و خانواده ی گرامی اش میسر می شود . زیرا اخلاق حسنه نجات بخش و خلق نکوهیده سمی کشنده است که باعث دوری از جوار پروردگار و دخول در نظام شیاطین لعین می شود ، و ضرری که از امراض روحی بر دین وارد می شود ، بس بزرگ تر از ضرری است که امراض بدن بر جسد وارد می کنند چه این امراض ، حیات جسد را به خطر می اندازند ولی امراض روحی حیات ابدی را از انسان می گیرد(۱۷). منظور از «تربیت اخلاقی»، زمینه سازی و ارائه راه کارهای معرفتی و انگیزشی، و عملی و رفع موانع به منظور رشد و شکوفایی انسان در حوزه اخلاق است که در نتیجه آن، صفات و ملکات فاضله و رفتار متناسب با آن در انسان ایجاد شود. برخی هدف نهایی از تربیت اخلاقی را «عبادت و آزادی از هر قید و بندی می دانند»(۱۸). و بعضی دیگر «تحقق خلافت الهی» را غایت تربیت اخلاقی می دانند(۱۹). گروهی دیگر «قرب و رضای الهی» را هدف غایی در اخلاق می دانند(۲۰).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

«تربیت اخلاقی»، فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدا حرکت انسان است) به سوی قله کمال را بازمی‌نماید و آدمی را چونان راه می برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. «تربیت اخلاقی» تحقق عینی همه آموزه‌هایی است که دانش «اخلاق» بدان فرامی‌خواند. می توان گفت که «اخلاق» مقاصد و غایات حرکت انسان را بازمی نماید در حالی که «تربیت اخلاقی» احکام جریان و قواعد حرکت انسان بدان سو را بازمی نماید. به تعبیر دیگر اخلاق پرسش از ماهیت ارزش ها، و تربیت پرسش از کیفیتِ دست یابی بدان را پاسخ می گوید.

تبیین مبانی و اصول تربیت اخلاقی در اسلام

اخلاق مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده است و همگی بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق تاکید می ورزند. اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدّل اخلاق سیّئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیّت و عالم بهیمیّت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلّق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می‌شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالی متّصف می‌شود، که بازگشت آن به مسئلهٔ توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود (۲۱). در این بخش سعی بر آن شده تا نمونه هایی از مبانی تربیت اخلاقی را از منظر اسلام مورد ارزیابی قرار داده و بدین ترتیب به فلسفه حقیقی تربیتی که در بطن اسلام نهفته است دست یافت:

— جزای تبعیت از هوای نفس با وجود علم یقینی به آن

یکی از عوامل زمینه ساز تسلط شیطان، هوای نفس است؛ بدین طریق که نفس مسوله و اماره، ابزار درونی تسلط شیطان است. هوای نفس، مانع تعالی و پیشرفت و صعود به قله های بزرگ معنویت و رشد اخلاقی انسان است، چنانکه رسول خدا (ص) فرمودند: «سرسخت ترین دشمنان تو نفس توست که در درون خودت است» (۲۲). ما در حالات نفسانی خود یک طیفی داریم که در بعضی اوقات که باید إقرار به حق کنیم، با اینکه می‌دانیم حق است، به‌واسطهٔ بعضی از جهات اعتباری، اقرار نمی‌کنیم و همین‌طور دنبال سراب می‌رویم و آب از دستمان می‌رود! در یک قضیّهٔ دیگر هم اتّفاق می‌افتد که می‌فهمیم این حق است ولی اقرار نمی‌کنیم؛ سپس یک قضیّهٔ دیگر، یک قضیّهٔ دیگر و... و این دائمی می‌شود: سراب و سراب و سراب! آن‌وقت ما می‌بینیم که چند بار به دنبال سراب رفته‌ایم و خدای نا کرده اگر این رفتن‌ها تکرار بشود، عمر انسان ضایع می‌شود. مقداری که انسان می‌تواند حرکت کند، از صبح است تا به غروب؛ و وقتی غروب بشود و خورشید غروب کند، هم سراب از بین می‌رود و هم دیگر آبی نیست. تا هنگامی که آب هست، آن سراب هم در مقابل آب به‌واسطهٔ تلألؤ خورشید در برابر انسان هویدا است، و مدّت عمر انسان هم محدود است (۲۳).

— احسان به والدین

در احادیث، در مورد احسان به والدین[۱۲] بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است: پاداش نگاه رحمت به والدین، حج مقبول است. رضایت آن دو رضای الهی و خشم آنان خشم خداست. احسان به پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند و سبب می‌شود که فرزندان نیز به ما احسان کنند. در احادیث آمده است: حتّی اگر تو را زدند، تو «افّ» نگو، خیره نگاه مکن، دست بلند مکن، جلوتر از آنان راه نرو، آنان را به نام صدا نزن، کاری مکن که مردم به آنان دشنام دهند، پیش از آنان منشین و پیش از آنکه از تو چیزی بخواهند به آنان کمک کن .

بر اساس تعالیم اسلامی[۱۳] مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید خدا واجب ترین واجبات است همچنانکه مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است، و به همین جهت این مسئله را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نکته را در آیات متذکر شده است.

رابطه عاطفی میان پدر و مادر از یک طرف و میان فرزندان از طرف دیگر از بزرگترین روابط اجتماعی است که قوام و استواری جامعه انسانی بدانها است، و همین وسیله ای است طبیعی که زن و شوهر را به حال اجتماع نگه داشته و نمی گذارد از هم جدا شوند، بنابراین از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت، لازم است آدمی پدر و مادر خود را احترام کند و به ایشان احسان نماید زیرا که اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود معامله یک بیگانه را بکنند قطعا آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می گردد(۲۴).

— نهی اسلام از خودکشی و قتل به ناحق

در حدیثی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می خوانیم که فرمود: «نابودی دنیا و آنچه در آن است نزد خدا آسان تر است از کشتن مؤمنی و اگر اهل آسمان ها و اهل زمین در ریختن خون فرد با ایمانی شرکت داشته باشند خداوند همه را در آتش داخل می کند» (۲۵). در اینکه چگونه ممکن است قاتل عمد، خلود در آتش دوزخ داشته باشد با اینکه تنها کافرانند که مخلّد در آتشند؟ گاه گفته شده: چنین افرادی موفق به توبه نمی شوند یا کمتر موفق به توبه می شوند، آنها در آخر عمر بی ایمان از دنیا می روند و به همین جهت مستحقّ خلود در دوزخ می شوند. و گاه گفته اند: این، کیفر کسانی است که قتل عمد را از روی انکارِ تحریم آن انجام دهند، خود این امر موجب کفر است، و گاه گفته شده که: خلود در اینجا به معنای مدّت طولانی است نه جاودانگی عذاب(۲۶). همچنین در تعالیم اسلام بر این امر تاکید می شود که چه نفس خودتان و چه نفس غیر خودتان را نمی توانید بکشید و در خودکشی[۱۴] نمی توانید بگویید : من از جان خودم سیر شده‌ام و می‌خواهم خودم را بکشم! چنین حقّی به انسان داده نشده است. اگر انسان إنتحار کند، در جهنّم مخلّد است؛ چون انسان مالک خودش

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

نیست. این اختصاص به قانون الهی دارد، و در هیچ‌یک از قوانین دنیا نیست که إنتحار حرام است؛ وقتی کسی إنتحار کرد، کدام قانون می‌تواند جلوی او را بگیرد؟! این إنتحار کرد و خودش را کشت! قوانین ظاهری متکفّل امر باطن نیست و نمی‌تواند باشد! هیچ‌یک از قوانین ظاهری متکفّل امر باطن نیست، امّا قانون باطن یک امر دیگری است؛ می‌گوید: ای انسان، تو مالک خودت نیستی، کما اینکه مالک چیزهای دیگر هم نیستی! خدا مالک تو و مالک چیزهای دیگر است؛ و خدا به تو اجازهٔ إنتحار نداده است و گفته است: اگر خودکشی کنی در جهنّم مخلّد خواهی بود (۲۴).

— اهمیت آرامش و نداشتن عجله در امور

صاحبنظران علوم اسلامی در تبیین واژه عجله می گوید: « هر چیزی را که آدمی پیش از وقت و فصل خودش طلب کند بر آن (عجله) صدق می‌کند و ریشه این صفت نکوهیده در قوه شهویه انسانی است از این رو غالباً مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است» (مفردات راغب) مرحوم نراقی می گوید: « عجله و شتابکاری آن است که آدمی به مجرد این که امری به خاطر او خطور کند اقدام به آن نماید، بدون آن که اطراف آن را ملاحظه نماید و در عاقبت آن تأمّل کند، و این از کم دلی و ضعف نفس است. و از راههای بزرگ شیطان و ان لعین، بسیاری از فرزندان آدم را با این صفت به هلاکت رسانیده.» (۲۷). اسلام از هر چیزی که آدمی را از رسیدن به کمال معنوی و نتیجه مطلوب در زندگی باز می‌دارد به شدت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده و نسبت به آن هشدار داده است تا انسان با توجه به آن نکوهش‌ها و هشدارها بی‌فکری و بی‌تدبیری نکند و با مطالعه و بصیرت همه سویه امور زندگی اجتماعی خود را سامان دهی نماید. در رابطه با عجله و شتابکاری نیز همین نکوهشها و هشدارها را مشاهده می‌کنیم: امام علی (ع) می فرماید: « از شتاب کردن در کارها پیش از فرارسیدن زمان آنها، و کوتاهی کردن در آنها وقتی زمانشان فرا رسید دوری کن». در این حدیث شریف عدم زمان‌شناسی ریشه شتابزدگی شمرده شده و ضرورت زمان‌شناسی برای انجام کارها از وظایف انسان مسلمان بشمار آمده است.

در قران بر این امر تاکید شده که فرو رفتن در نعمتها و به اصطلاح رفاه زدگی، سرچشمه فساد و سبب ایستادگی در مقابل حق است و به سقوط اخلاقی[۱۵] و اجتماعی جامعه می انجامد. لازم به ذکر است که این خصلت دنیاگرایی است که مذموم است نه اصل دنیا و انسان با مطالعه در تاریخ و عبرت از احوال گذشتگان باید متذکر این مهم باشد که در برابر سنت های همیشه پایدار و ثابت خداوند، چگونگی صفاتی باید از خود بروز دهد و شرط اصلی در نتیجه گیری از تلاش های دنیوی و سعادت اخروی که همان ایمان داشتن است، را مدنظر داشته باشد.

آنچه در فرهنگ دینی به عنوان «عجله ناپسند» مورد نکوهش قرار گرفته آن مواردی است که انسان چشم و گوش بسته بدون مطالعه و بدون بررسی کارشناسانه بخواهد دست به کاری کوچک یا بزرگ بزند که نمی‌داند خیر است یا شر. به نفع است یا به ضرر، اما آن گاه که کاری را با بصیرت مورد مطالعه قرار داد و تمام جوانب آن را با همه احتمالات آن بررسی کرد و معلوم شد که انجام آن ضرری به دین و دنیای او نمی‌زند، بلکه خیر و برکت و عاقبت به خیری را به دنبال دارد. مسامحه و تأخیر در آن روا نیست، بلکه سرعت و شتاب مورد تأکید و سفارش دین نیز می‌باشد. ضد صفت عجله "وقار" است و آن عبارت است از اطمینان نفس و سکون آن در گفتار و کردار و حرکات و سکنات، هم پیش از آن که شروع در یکی از آنها کند، و هم بعد از آن تا هر جزئی از آن کار را به موافق فکر و تدبیر به جا آورد.

— فروبردن خشم (کظم غیظ):

کظم غیظ نشانه اراده و اعتماد به نفس است. فرد کاملا به صورت ارادی و اختیاری خشم و غضب خود را فرو می نشاند . در واقع با کظم غیظ، خشم و غضب از بین می رود و محو می گردد. اینکه در فارسی گفته می شود «فرو بردن خشم» به معنای «درون ریزی خشم» یعنی نقطه مقابل «برون ریزی خشم» که یک مفهوم روانشناختی است، نمی باشد.کظم غیظ به معنای درون ریزی خشم نیست، چون باعث افسردگی می شود، بلکه کظم غیظ به معنای از بین بردن خشم است. وقتی کظم غیظ حاصل شود به معنای این است که دیگر هیچ خشمی وجود ندارد. کظم غیظ در واقع به معنای مهار کردن خشم است.

علمای اخلاق رعایت اعتدال در خشم را نه تنها مذموم نمی خوانند بلکه از منظر ایشان مطلوب نیز هست، زیرا ایشان نیروی غضبیه را در کنار قوای عاقله، شهویه و وهمیه یکی از نیروهای چهارگانه ای می دانند که خدا در انسان به ودیعت گذاشته و آن را مادامی که اعتدال در این قوه حاکم باشد از نعمت های بزرگ الهی می خوانند که با آن امر دنیا و آخرت سامان می یابد. حد اعتدال خشم، خضب نیستبلکه شجاعت و قدرت نفس است (۳۱) و امام صادق (ع) نیز «نشان دادن واکنش های قاطعانه را یکی از نشانه های مؤمن دانسته است» (۲۸).

نتیجه‌گیری

اخلاق مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده است و همگی بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق تاکید می ورزند. اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدّل اخلاق سیّئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند. از این رو «تربیت اخلاقی» نیز، فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدا حرکت انسان است) به سوی قله کمال را بازمی‌نماید و آدمی را چونان راه می برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. بر طبق بررسی که از تفاسیر مختلف از آیات و روایات اخلاقی و مبانی تربیتی آنها در ۵ موضوع تبعیت از هوای نفس ، احترام به والدین، خودکشی و قتل ، تعجیل در امور ، خشم صورت گرفت مشخص شد:

— در زمینه تبعیت از هوای نفس علما اخلاق اسلامی بیان می کنند انسان در حالات نفسانی خود طیفی دارد که در پاره ای اوقات باید

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

اقرار به حق کند، با اینکه می‌داند حق است، به‌واسطهٔ بعضی از جهات اعتباری، اقرار نمی‌کندو همین‌طور دنبال سراب می‌رود .

- در احادیث، در مورد احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است.
- در زمینه خودکشی تعالیم اسلام بر این امر تاکید می شود که چه نفس خودتان و چه نفس غیر خودتان را نمی توانید بکشید و اگر انسان إنتحار کند، در جهنّم مخلّد است؛ چون انسان مالک خودش نیست. این اختصاص به قانون الهی دارد، و در هیچ‌یک از قوانین دنیا نیست که إنتحار حرام و غیر اخلاقی است
- در زمینه تعجیل در امور تعالیم اسلام بیان می کند فرو رفتن در نعمتها و به اصطلاح رفاه زدگی، سرچشمه فساد و سبب ایستادگی در مقابل حق است و به سقوط اخلاقی و اجتماعی جامعه می انجامد. اسلام از هر چیزی که آدمی را از رسیدن به کمال معنوی و نتیجه مطلوب در زندگی باز می‌دارد به شدت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده و نسبت به آن هشدار داده است تا انسان با توجه به آن نکوهش‌ها و هشدارها بی‌فکری و بی‌تدبیری نکند و با مطالعه و بصیرت همه سویه امور زندگی اجتماعی خود را سامان دهی نماید. در رابطه با عجله و شتابکاری نیز همین نکوهشها و هشدارها را مشاهده می‌کنیم: امام علی (ع) می فرماید: « از شتاب کردن در کارها پیش از فرارسیدن زمان آنها، و کوتاهی کردن در آنها وقتی زمانشان فرا رسید دوری کن» در این حدیث شریف عدم زمان‌شناسی ریشه شتابزدگی شمرده شده و ضرورت زمان‌شناسی برای انجام کارها از وظایف انسان مسلمان بشمار آمده است.
- در زمینه خشم علمای اخلاق اسلامی رعایت اعتدال در خشم را نه تنها مذموم نمی خوانند بلکه از منظر ایشان مطلوب نیز هست، زیرا ایشان نیروی غضبیه را در کنار قوای عاقله، شهویه و وهمیه یکی از نیروهای چهارگانه ای می دانند که خدا در انسان به ودیعت گذاشته و آن را مادامی که اعتدال در این قوه حاکم باشد از نعمت های بزرگ الهی می خوانند که با آن امر دنیا و آخرت سامان می یابد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Heavenly leaders	رهبران آسمانی
2. Moral virtues	سجایای اخلاقی
3. Inherent value	ارزش فطری
4. Spiritual virtue	فضیلت معنوی
5. Moral value	ارزش اخلاقی
6. Spiritual excellence	تعالی معنوی
7. Moral construction	سازندگی اخلاقی
8. Education	تربیت
9. Islamic personality	شخصیت اسلامی
10. Ethics	اخلاق
11. Ethical education	تربیت اخلاقی
12. Kindness to parents	احسان به والدین
13. Islamic training	تعالیم اسلامی
14. Suicide	خودکشی
15. Moral collapse	سقوط اخلاقی

References

1. Wsmaeili Yazdi A. Character culture (moral dos and don'ts). 1st ed. Tehran: Dalile Ma. 2007. (In Persian).
2. Majlesi M. Bahar Al-Anvar. 1st ed. Beirut: Dar Al-Vafa.1403. (In Arabic).
3. Ibn-Manzoor M. Lesan Al-Arab. 1st ed. Qom: Dar Al-hawzeh. 1408. (In Arabic).
4. Ibn-Fares A. Dictionary of language standards. Beirut: Dar-Aljail. 1411. (In Arabic).
5. Tabarsi F. Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. 3rd ed. Tehran: Naser Khosro Publication. 1993. (In Persian).
6. Faghihi SA. Methods of moral education in al-Mizan. 1st ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2014. (In Persian).
7. Motahari M. Collection of works. 11th ed. Qom: Sadra Publication. 2004. (In Persian).
8. Group of Authors. Religious education in contemporary Islamic society. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2009. (In Persian).
9. Bagheri K. A new look at Islamic education. 13th ed. Tehran: Madrese Publication. 2006. (In Persian).
10. Afkhami Ardakani M. Explanation of social education methods in Nahj al-Balagha. 1st ed. Qom: Nahj al-Balagha Publication. 2007. (In Persian).
11. Khanahmadi M, Farhud DD, Ranjbar B, Malmir M. Ethics in Convergence of Science and Technology. Ethics in Science and Technology 2016; 11 (2) :1-10. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.1.1
12. Rahnama A, Jahan J. Explaining and analyzing the relationship between moral and religious education and information and communication technology. Ethics in Science and Technology 2023; 18 (3) :10-17. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1402.18.3.2.3
13. Attar S, Nateghi F, Erfani N. Investigating the position of cognitive developmental moral education approach in persian textbooks of the first secondary school. Ethics in Science and Technology 2022; 17 (3) :159-163. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.22.6
14. Rangbar F, Heydari M, Vaezi SH. The model of moral education from the perspective of Allameh Jafari. Ethics in Science and Technology 2021; 16: 35-43. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

15. Attar S, Nateghi F, Erfani N. Evaluating the function of heavenly messages textbook authors based on the values explanation approach in moral education. Ethics in Science and Technology 2020; 15 (3) :123-130. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.17.7
16. Moradi Mokhles H, Heydari J, Pooti N. Development of ethical education along with the components of critical thinking. Ethics in Science and Technology 2018; 13 (3) :8-15. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1397.13.3.2.8
17. Bashar SA. Ethics. 15th ed. Qom: Hejrat Publication. 2010. (In Persian).
18. Rostami Nasab A. The ultimate goal in religious education with an Islamic approach. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2009. (In Persian).
19. Firoozmehr MM. Moral education with a Quranic perspective. 1st ed. Qom: Islamic Ads Publication. 2014. (In Persian).
20. Hoseini Tehrani SM. The light of the kingdom of the Qur'an. 1st ed. Tehran: Maktab Vahi. 2000. (In Persian).
21. Hoseini Tehrani SM. The basics of ethics in verses and hadiths. 1st ed. Tehran: Maktab Vahi. 2019. (In Persian).
22. Varam M. The collection. 1st ed. Qom: Makab Feghye. 1410. (In Arabic).
23. HOseini Tehrani SM. Marriage treatise. 2nd ed. Qom: Allame Tabaei Publication. 2010. (In Persian).
24. Tabatabaei MH. Tafsi al-mizan. 5th ed. Qom: The Islamic Publication of the Community of Teachers. 1995. (In Arabic).
25. Aloosi SM. The spirit of meanings in the interpretation of the Great Qur'an and the Seven Repeated Verses. Beirut: Dar Al-kotob. 1415. (In Arabic).
26. Makarem Shirazi N. Selected sample commentary. Tehran: Dar Al-kotob Islamic. 2007. (In Persian).
27. Naraghi A. Ascension of happiness. 1st ed. Tehran: Islamic Science. 1969. (In Arabic).
28. Helli H. Summary of insights. 1st ed. Qom: Islamic Publishing Foundation. 1421. (In Arabic).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-15]